

مقاله پژوهشی

دانشگاه به مثابه پنجره‌ای برای مشارکت اجتماعی؛ مطالعه

دختران دانشجو در دانشگاه ایلام

خدیجه کشاورز^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۵

چکیده

این پژوهش با رویکرد کیفی و مبتنی بر مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته است و اهداف، انگیزه‌ها، و تجربه زیسته ۱۷ دانشجوی دختر دانشگاه ایلام درمورد تحصیل در دانشگاه را بررسی می‌کند. داده‌ها با روش تحلیل مضمون، تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد ورود به دانشگاه برای اغلب دختران مشارکت‌کننده امری «مسلم و بدیهی» تلقی می‌شود که کمتر مورد پرسش قرار می‌گیرد. دانشگاه علاوه بر نقش آموزشی، برای آنان کارکردهایی همچون کسب پرستیژ اجتماعی، تجربه استقلال فردی، شکل‌گیری هویت، و افزایش اعتمادبه‌نفس دارد. با این حال، محدودیت‌های بازار کار و بی‌کاری گسترده زنان تحصیل‌کرده موجب می‌شود چشم‌انداز شغلی دانشجویان دختر، مبهم و ناامیدکننده به نظر برسد. دانشگاه برای بسیاری از آنان «پنجره‌ای برای مشارکت اجتماعی» و گسترش تعاملات میان‌فردی است. تجربه محیط خوابگاهی و فعالیت در تشکل‌های دانشجویی به رشد فردی و اجتماعی آنان یاری رسانده است. از سوی دیگر، دانشگاه به مثابه فضای مختلط، نخستین فرصت تعامل با جنس مخالف را برای دختران فراهم کرده اما هم‌زمان سیاست‌های رسمی تفکیک جنسیتی و هنجارهای محافظه‌کار جامعه، تجربه آنان را با فشار، محدودیت، و بازتولید کلیشه‌های جنسیتی همراه ساخته است. در مجموع، دانشگاه با وجود محدودیت‌ها بستری مهم برای بازتعریف نقش‌ها و هویت‌های جنسیتی دختران محسوب می‌شود و هم‌زمان تناقض میان امکان‌های رهایی‌بخش و سازوکارهای بازتولید تبعیض جنسیتی را آشکار می‌سازد.

کلمات کلیدی: تشکل‌های دانشجویی، تعاملات دانشجویی، دختران دانشجو، دانشگاه ایلام.

۱ استادیار جامعه‌شناسی، گروه مطالعات زنان، موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران.

۱. مقدمه و طرح مسئله

توده‌ای شدن تحصیلات دانشگاهی در دو دههٔ اخیر به‌ویژه حضور پررنگ زنان در دانشگاه‌ها، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی گوناگونی داشته است. باوجود انتقاد از گسترش دانشگاه‌ها، پایین‌آمدن کیفیت تحصیلات دانشگاهی و بی‌ارتباط بودن تحصیلات دانشگاهی با زمینه‌های اشتغال، بی‌کاری گستردهٔ دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و به‌ویژه بی‌کاری دانش‌آموختگان زن، همچنان اقبال به دانشگاه در میان فارغ‌التحصیلان دبیرستانی دختر بسیار بالاست. براساس گزارش‌های آماری، بی‌کاری زنان تحصیل‌کرده بیش از دو برابر مردان تحصیل‌کرده است. در سال ۱۴۰۰، بی‌کاری جمعیت فارغ‌التحصیل آموزش عالی در کل کشور ۱۳/۶ درصد بوده است. سهم مردان از این میزان بی‌کاری ۹/۷ درصد و سهم زنان ۲۲/۸ درصد است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰: ۴).

اقبال دختران برای ورود به دانشگاه، خود را در سهم بالای دختران در میان متقاضیان کنکور نشان می‌دهد؛ در نوبت دوم کنکور ۱۴۰۴، از میان ۸۲۲ هزار داوطلب، به‌جز در گروه آزمایشی ریاضی، در سایر گروه‌ها زنان بیش از ۶۸ درصد متقاضیان رشته‌های دانشگاهی را تشکیل می‌دادند (ایسنا، ۲۷ تیر ۱۴۰۴). ازسوی دیگر، پژوهش‌های نگرش‌ها و رفتار دانشجویان نشان می‌دهد که معدل دیپلم زنان دانشجوی، بالاتر از معدل مردان دانشجوی است ولی زنان کمتر از مردان از رشته تحصیلی خود رضایت دارند (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۶-۷۶). به‌نظر می‌رسد اگرچه دختران معدل بالاتری دارند و در تحصیل موفق‌تر هستند، چشم‌انداز آنان به بازار کار محدودتر است و تصور می‌کنند پس از فارغ‌التحصیلی به زمان بیشتری نیاز دارند تا شغل مناسب پیدا کنند. ازسوی دیگر، زنان دانشجوی بیش از مردان به دانشجوی بودن خود افتخار می‌کنند (همان: ۹۰). این یافته‌ها نشان‌دهندهٔ اشتیاق بیشتر دختران به حضور در دانشگاه باوجود موانع موجود بر سر راه اشتغال آنان در آینده است.

هر دانشجوی با مجموعه‌ای از انتظارات، تصورات، و انگیزه‌ها وارد دانشگاه می‌شود؛ انتظاراتی که تنها به یادگیری علمی محدود نمی‌شوند بلکه ابعاد متنوعی همچون استقلال فردی، مدیریت زندگی روزمره، شکل‌گیری دوستی‌ها و تعاملات اجتماعی، تجربهٔ زندگی خوابگاهی، گذران اوقات فراغت و حتی کسب اعتبار اجتماعی را در بر می‌گیرند (کوثری و

خوشنام، 1396). تمرکز ما در این پژوهش جست‌وجوی دلایل اقبال دانشجویان زن به دانشگاه است. پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۱. اهداف دختران از ورود به دانشگاه چیست؟
۲. چگونه دانشگاه امکان مشارکت اجتماعی را برای دختران فراهم می‌کند؟
۳. تجربه دختران از نخستین مواجهه با محیط مختلط دانشگاهی چیست و چه چالش‌هایی به‌همراه دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

جنسیت به طبقه‌بندی‌های اجتماعی (زنانه و مردانه) و به‌بیانی دقیق‌تر «روابط ساخت‌یافته اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان» معنا می‌شود. جنسیت مفهومی است که به ساخت سیاسی و اجتماعی تفاوت دو جنس مربوط بوده و تعاملی و سراسری است و در تمام حوزه‌های اجتماعی عمل می‌کند. تعریف لور برنی^۱ از جنسیت چهار بُعد دارد:

۱. جنسیت یک برساخت است: این بُعد در مخالفت با ذات‌گرایی بر جامعه‌پذیری در شکل‌بخشیدن به هویت جنسیتی تأکید می‌کند. در این‌جا جنسیت به مفهوم عادت‌وارهٔ پیر بردیو نیز مربوط است که شامل قضاوت‌ها و رفتارهای ماست که به زنان و مردان نقش‌های اختصاصی نسبت می‌دهیم: مادری، ازخودگذشتگی، احساساتی‌بودن، و رماتیسم برای زنان؛ مردانگی، شجاعت، و فنی‌بودن برای مردان. آموزش، رسانه‌ها، نهادها، خانواده، فضای عمومی، و ... به نظامی که بر روابط اجتماعی دو جنس حاکم است شکل می‌دهند.
۲. بُعد چشم‌انداز ارتباطی: لور برنی، زنان و زنانگی را هم‌چون محصول رابطهٔ اجتماعی با مردان می‌داند. بنابراین ممکن نیست یک جنس بدون رجوع به جنس دیگر مطالعه شود.
۳. وجود رابطهٔ قدرت: به‌نظر لور برنی، ارزش‌گذاری نظام‌مند مذکر به‌ضرر مؤنث وجود دارد. به‌علاوه یک نظام هنجاری وجود دارد که انحراف از جنسیت را تنبیه می‌کند؛ برای مثال برای یک مرد امکان ندارد که بدون تمسخر دیگران لباس زنان را بپوشد یا این‌که قابل فهم نیست که زنی نخواهد بچه‌دار شود. داشتن روابط جنسی متعدد برای مردان ارزش تلقی می‌شود و برعکس، زنانی که روابط جنسی متعدد دارند، تحقیر می‌شوند (Bereni, 2011).

1. Laure Bereni

۴. گره‌گاه: جنسیت دربرگیرندهٔ دیگر روابط قدرت هم‌چون طبقه، نژاد، و گرایش جنسی است. برای فهم آنچه افرادِ قرارگرفته در تقاطع، چندین نوع تبعیض از سر می‌گذرانند، باید نگاه تک‌عاملیتی را کنار گذاشت و به این پرسش پاسخ داد که چگونه جنسیت در کنار دیگر ساختارهای نابرابرساز، راه‌طرد و سرکوب را هموارتر می‌کند. درواقع، تعلق افراد به گروه‌های اجتماعی، قومی، مذهبی، نژادی، جنسی، و جنسیتی متفاوت موجب کنش و واکنش روابط اجتماعی با یکدیگر می‌شود که در تحلیل نابرابری علیه زنان باید دیده شوند.

درک این نکته مهم است که نظم جنسیتی،

با تحمیل دیدگاهی جهان‌شمول از سلطه‌حمایت می‌کند و جایگاه سلطه‌گران را بدیهی می‌نماید و درنهایت نظم جنسیتی را چونان نظم طبیعی جلوه می‌دهد. نظم جنسیتی برساخته‌ای فرهنگی است و عیناً در ذهنیت عاملان اجتماعی نهادینه می‌شود و به‌شکل بخشی از نظم طبیعی چیزها جلوه می‌یابد (ناصری‌راد، ۱۴۰۰: ۵).

مریام دیوید^۱ در کتاب *فمینیسم، جنسیت و دانشگاه‌ها: سیاست، شور و پداگوژی*^۲ به بررسی زندگی صدها دانشمند زن در سه دورهٔ متفاوت قرن بیستم می‌پردازد و تلاش می‌کند نشان دهد چگونه جنبش فمینیستی وارد دانشگاه‌ها شد و موقعیت زنان در دانشگاه را تغییر داد. او معتقد است گرچه تعداد دانشجویان زن در دانشگاه‌ها افزایش پیدا کرده است، اما این امر به‌معنای پایان نابرابری نیست. برای مثال، زنان هنوز در مقام‌های ارشد دانشگاهی کمتر هستند. او با توجه به تجربهٔ زیستهٔ زنان نشان می‌دهد که ورای آمار و ارقام، زنان در حین تحصیل و تدریس در دانشگاه با چه چالش‌هایی مواجه‌اند؛ تبعیض، انتظارات جنسیتی در بیرون و درون دانشگاه، کمبود الگوهای زنانه برای الهام‌بخشی و دیدن خود به‌عنوان دانشمند یا محقق. به‌نظر او رویکرد کمی و استفاده از شاخص‌ها در آموزش نئولیبرالی، وضعیت تبعیض علیه زنان را پنهان می‌کند. وقتی تمرکز بر آمار است (به‌عنوان مثال تعداد دانشجویان زن)، به کیفیت تجربه، جایگاه، امکان پیشرفت، و موانع غیررسمی در وضعیت زنان توجهی نمی‌شود.

دیوید به‌صراحت می‌نویسد: «رویکرد کمی، نابرابری‌های جنسیتی مداوم در تجربهٔ دانشجویان را مخفی می‌کند، جایی که زنان هنگام تحصیل و جست‌وجوی شغل با تبعیض

1 Miriam E. David

2 *Feminism, gender and universities: Politics, passion and pedagogies*

مواجهاند» (David, 2014). همچنین او معتقد است ورود زنان به دانشگاه یکی از پیشران‌های تغییرات اجتماعی و سیاسی است؛ دانشگاه برای زنان نه فقط محل یادگیری بلکه عرصه‌ای برای تجربه فمینیسم، شکل‌گیری هویت، نقد، و تعامل با قدرت است (همان).

مادلین آرنوت^۱ جامعه‌شناس انگلیسی در فصل ششم کتاب *بازتولید جنسیت: جستارهای انتقادی درباره نظریه آموزشی و سیاست‌های فمینیستی*^۲ به نسبت جنسیت و آموزش عالی می‌پردازد و توضیح می‌دهد که ورود زنان به دانشگاه به معنای پایان نابرابری جنسیتی نیست. به نظر او دانشگاه‌ها همچنان محیط‌هایی جنسیت‌زده هستند که ساختارها، فرهنگ و سیاست‌هایشان بازتولیدکننده هنجارهای مردسالارانه‌اند. او تأکید می‌کند که نگاه صرف به آمار ثبت‌نام زنان و مردان در دانشگاه، تصویر واقعی از فرصت‌ها و موانع زنان را نشان نمی‌دهد. در دانشگاه‌ها رشته‌ها غالباً به «زنانه» و «مردانه» تقسیم می‌شوند و تجمع زنان بیشتر در رشته‌های علوم انسانی و هنر و تجمع مردان در رشته‌های فنی - مهندسی است. جنسیتی‌شدن رشته‌ها تحت تأثیر فشارهای اجتماعی، انتظارات خانواده، و سیاست‌های آموزشی شکل می‌گیرد.

آرنوت اصطلاح «سقف شیشه‌ای» را برای دانشگاه هم به کار می‌برد و تأکید می‌کند که زنان در مقاطع بالاتر و مدیریت دانشگاه کمتر دیده می‌شوند. فرصت‌های پژوهشی، رهبری پروژه‌ها، و ارتقاء شغلی برای زنان محدودتر است. این محدودیت‌ها گاهی به شکل «نرم» و غیرآشکار است، مثلاً کمتر شدن حمایت از دختران در پروژه‌های تحقیقاتی یا ارائه کمتر رشته‌های علم، فناوری، مهندسی و ریاضیات (STEM)^۳ به دختران. از سوی دیگر، او به پتانسیل مقاومت و تغییر در دانشگاه نیز اشاره می‌کند. به نظر او گروه‌های دانشجویی، انجمن‌های علمی زنان، برنامه‌های حمایتی، و فضای آموزشی انتقادی می‌توانند بازتولید جنسیت را محدود کنند (Arnot, 2020).

در زمینه اهداف دانشجویان از ورود به دانشگاه و معنای ذهنی آنان از تحصیلات دانشگاهی چندین پژوهش در ایران به انجام رسیده است. اعتمادی‌فر (۱۳۹۶) در کتاب *دانشگاه از منظر دانشجویان* به سراغ چند دانشگاه دولتی شهر تهران رفته و با رویکرد کیفی و به‌کارگیری ابزار

1 Madline Arnot

2 *Reproducing Gender: Critical Essays on Educational Theory and Feminist Politics*

3 Science, technology, engineering, and mathematics (STEM)

مصاحبه، دیدگاه فعالان دانشجویی را پیرامون جنبه‌های گوناگون دانشگاه محل تحصیل آن‌ها بررسی کرده است. بنابر نتایج تحقیق، آن‌ها دانشگاه را صرفاً محیطی برای درس خواندن و فعالیت‌های علمی نمی‌دانند، حتی اگر دانشجویی تنها برای مدرک گرفتن پا به آنجا گذاشته باشد. دانشگاه فضایی است برای به دست آوردن تجربه‌های تازه از خلال تعامل با دیگران و افزایش شناخت و کسب مهارت‌هایی معطوف به خود. قواعد عمل غیررسمی، فعالیت‌های دانشجویی، نخستین تعاملات با جنس مخالف، در کنار شبکهٔ روابط و منافی که میان کنشگران اصلی یعنی اساتید، دانشجویان، و بدنهٔ بوروکراتیک شکل می‌گیرد، بر دیگر دوره‌های زندگی افراد سایه می‌اندازد.

کوثری و خوشنام (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل پدیدارشناسی معنای ذهنی دانشجو از دانشگاه» نشان می‌دهند که برقراری ارتباط با سایر دانشجویان، ایجاد اکیپ‌های دوستانه و تعاملات با جنس مخالف و افرادی از شهرهای دیگر، فرهنگ‌های مختلف و گذران اوقات فراغت و زمان‌های خارج از کلاس درس با آن‌ها، از جمله ادراکات بسیاری از دانشجویان بوده است. دانشجویان می‌خواهند با ورود به دانشگاه بزرگ و جامع در پایتخت، پایگاه اجتماعی خود را بالاتر ببرند و کسب اعتبار کنند.

فراستخواه (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تجربه‌های زیسته و ادراک شدهٔ دانشجویان (مطالعهٔ موردی یک دانشگاه ایرانی)» با رویکردی کیفی به مطالعهٔ دانشجویان در یکی از دانشگاه‌های شهر تهران می‌پردازد. نتیجهٔ پژوهش که از مصاحبه با ۲۵ دانشجوی این دانشگاه حاصل شده است، نشان‌دهندهٔ توصیفی سیستماتیک از ادراک زیسته‌شدهٔ دانشجو دربارهٔ دانشگاه ایرانی است و نشان می‌دهد تصویر اجتماعی دانشگاه در دل و دیدهٔ دانشجویان مخدوش و مناقشه‌آمیز شده است. دانشجویان مشارکت‌کننده در تحقیق به دانشگاه آمده‌اند اما نه فقط با اذهان بلکه با بدن‌ها و انواع نیازها و احساسات، شور و شوق زندگی، بازی و شادی، هویت و مشارکت و تشکیل اجتماعات و سایر آمال و آرزوهایشان. آن‌ها دانشگاه را نه صرفاً برای تحصیل بلکه به مثابهٔ یک کلپ اجتماعی نیز می‌بینند. به نظر فراستخواه این انتظاری است که گویا کم‌تر برآورده شده و حس تبعیض به وضوح در دانشجویان دیده می‌شود.

به‌طور کلی، تحقیقات بالا نشان می‌دهند که گرچه با توجه به نظرات دانشجویان می‌توان از پایین‌بودن کیفیت تدریس اساتید، رکود در تشکلهای علمی - سیاسی دانشگاه،

رضایت‌بخش نبودن وضعیت خدمات رفاهی، مطلوب ارائه‌نشدن تسهیلات فرهنگی، تفریحی، و آموزشی و به‌طور کلی پویانبودن فضای عمومی دانشگاه سخن گفت اما این میدان در کشوری با مختصات اجتماعی - سیاسی ایران همچنان تأثیرات پررنگ و چه‌بسا ماندگار خود را بر ایده‌ها و سبک زندگی دانشجویان می‌گذارد.

آنچه پژوهش ما را متفاوت می‌کند، نقدی است که بر نادیده‌گرفتن یا کم‌اهمیت‌پنداشتن جنسیت در اغلب پژوهش‌ها به‌ویژه تحقیقات انجام‌شده در ایران وارد می‌دانیم. گویی جنسیت پاسخگویان هیچ اثر خاصی بر تجربه آنان از دانشگاه ندارد یا می‌شود از آن چشم پوشید، حال آنکه هرگز نمی‌توان ادعا کرد جنسیت، مقوله‌ای کم‌اهمیت‌تر از رشته، خوابگاهی بودن، نوع دانشگاه، وضعیت شغلی، و تأهل به‌شمار می‌آید. اساساً بسیاری از تجربه‌های زیسته دوران دانشجویی، از فیلتر زنانگی / مردانگی عبور می‌کنند. از این‌رو، پرداختن به اهداف دانشجویان دختر از ورود به دانشگاه اهمیت مضاعفی می‌یابد.

۳. روش پژوهش

رویکرد روش‌شناختی پژوهش حاضر، رویکردی کیفی است. به‌قول بلیکی، «روش‌های کیفی بیش‌تر با توصیف‌های استدلالی، کشف معناها، و تفسیرهای کنشگران اجتماعی سروکار دارند» (بلیکی، ۱۳۸۴: ۳۰۱). از آنجاکه در پرسش‌ها و اهداف اصلی پژوهش حاضر نیز به دنبال کشف و تفسیر ذهنیت دانشجویان درباره تحصیل در دانشگاه هستیم، رویکرد کیفی ظرفیت‌های غنی‌تر و وسیع‌تری را در اختیار محقق می‌گذارد. در این پژوهش ابزار اصلی گردآوری اطلاعات مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌یافته با دانشجویان دانشگاه ایلام است. انتخاب دانشگاه ایلام به دلیل قرارگرفتن این دانشگاه در منطقه‌ای محروم و مرزی از یک‌سو و اهمیت حضور دختران در آن دانشگاه بود. دانشگاه ایلام دانشگاهی نسبتاً جدید است و در دو دهه اخیر توسعه زیادی یافته و حضور دختران در این دانشگاه از میانگین حضور دختران در دانشگاه‌های کل کشور بیش‌تر است. یکی از تعهدات پژوهشی نگارنده، پرهیز از مرکز‌محوری است که بر بسیاری از پژوهش‌های علوم اجتماعی سایه افکنده است زیرا هرکدام از میدان‌های پژوهش در گستره ایران یافته‌های غنی‌ای برای ما فراهم می‌کنند تا به درکی عمیق‌تر از جنسیت در آموزش عالی دست یابیم.

تکنیک اصلی تحلیل در این روش، تحلیل تماتیک یا مضمون است. مضمون یا تم، مبین اطلاعات مهمی دربارهٔ داده‌ها و سؤالات تحقیق است و تاحدی معنی و مفهوم و الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد. مضمون، الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۹). شعور متعارف، ارزش‌های محقق، جهت‌گیری‌ها، سؤالات تحقیق، و تجربهٔ محقق دربارهٔ موضوع در نحوهٔ شناخت مضامین تأثیر می‌گذارد. از آنجاکه تحلیل مضمون، تحلیلی کیفی است، پاسخ روشن و صریحی برای این وجود ندارد که مقدار داده‌های مناسب و مورد نیاز — که دلالت بر وجود مضمون یا اطلاق آن کند — چقدر است. بنابراین مضمون، لزوماً به معیارهای کمی بستگی ندارد بلکه به این بستگی دارد که تا چه حد به نکتهٔ مهمی دربارهٔ سؤالات تحقیق می‌پردازد (همان).

در این پژوهش ما با ۱۷ دانشجوی در دانشگاه ایلام به‌صورت آنلاین مصاحبه کرده‌ایم. ما از تمام امکانات در دسترس برای تنوع‌بخشی به مشارکت‌کنندگان و دستیابی به یافته‌های متنوع استفاده کرده‌ایم. در مصاحبه‌های آخر با داده‌های جدیدی مواجه نبودیم و بنابراین بعد از انجام ۱۷ مصاحبه، تصمیم به قطع مصاحبه‌ها گرفتیم. هر مصاحبه بین ۷۵ تا ۹۰ دقیقه زمان برده است. مصاحبه‌ها از طریق واتساپ و اسکایپ انجام شده و تمامی مصاحبه‌ها روی لپ‌تاپ ضبط و سپس پیاده‌سازی شده‌اند. در برخی مصاحبه‌ها نیز بعد از خواندن مصاحبه برای تدقیق بهتر یافته‌ها دوباره با مصاحبه‌شوندگان تماس گرفته‌ایم. مصاحبه‌ها در بازهٔ زمانی ۵ اسفند ۱۳۹۹ تا ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۰ انجام گرفته‌اند. مسن‌ترین مشارکت‌کننده ۳۴ سال و جوان‌ترین مشارکت‌کننده ۲۰ سال سن داشته است. برای حفظ گمنامی مشارکت‌کنندگان نام آنان در این پژوهش تغییر یافته است. جدول شمارهٔ ۱ مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش را نشان می‌دهد:

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	نام مستعار	سن	مقطع تحصیلی و رشته	شغل	وضعیت تأهل	محل اقامت
۱	فربیا	۳۳	دانشجوی دکترای شیمی	مدرس حق‌التدریس در دانشگاه	مجرد	شهر دانشگاه
۲	نازنین	۲۴	دانشجوی ارشد میکروبیولوژی	دانشجو	متاهل	شهر دانشگاه
۳	شیرین	۲۷	فارغ‌التحصیل ارشد ریاضی	معلم غیرانتفاعی	مجرد	شهر دانشگاه
۴	آرزو	۳۰	دانشجوی ارشد جامعه‌شناسی	ویزیتور شرکت	---	شهر دانشگاه
۵	صدیقه	۲۲	دانشجوی ارشد ادبیات عرب	دانشجو و خانه‌دار	متاهل	شهر دانشگاه
۶	طاهره	۲۳	دانشجوی مهندسی برق	تدریس خصوصی	مجرد	شهر دانشگاه
۷	پروانه	۲۹	دانشجوی ارشد کشاورزی	فعالیت پروژه‌ای در دانشگاه	مجرد	خوابگاهی
۸	افسانه	۲۵	دانشجوی ارشد ریاضی	معلم قراردادی دبستان	مجرد	شهر دانشگاه
۹	نقیسه	۲۹	دانشجوی ارشد زبان‌شناسی	دانشجو و خانه‌دار	متاهل و دارای فرزند	شهر دانشگاه
۱۰	مهلا	۲۵	دانشجوی ارشد بیوشیمی	دانشجو	مجرد	شهر دانشگاه
۱۱	هاجر	۳۴	دانشجوی دکترای فلسفه	مدرس حق‌التدریس در دانشگاه خود	مجرد	شهر دانشگاه
۱۲	سیما	۲۴	دانشجوی ارشد شیمی	دانشجو و خانه‌دار	متاهل	خوابگاهی
۱۳	زهرا	۲۵	دانشجوی ارشد اقتصاد توسعه	دانشجو	نام‌زد کرده	خوابگاهی

محل اقامت	وضعیت تأهل	شغل	مقطع تحصیلی و رشته	سن	نام مستعار	ردیف
خوابگاهی	مجرد	دانشجو	دانشجوی کارشناسی گیاه‌پزشکی	۲۳	مریم	۱۴
خوابگاهی	مجرد	دانشجو	دانشجوی کارشناسی فیزیک	۲۰	غزال	۱۵
ساکن تهران	متاهل	دانشجو	دانشجوی دکتری شیمی	۳۲	پریناز	۱۶
خوابگاهی	مجرد	دانشجو	دانشجوی کارشناسی الاهیات	۲۱	معصومه	۱۷

۴. یافته‌های پژوهش

در میان روایت‌های دانشجویان مشارکت‌کننده در این پژوهش با مضامین مختلفی مواجه شدیم: برای بخش مهمی از مشارکت‌کنندگان ادامهٔ تحصیل در دانشگاه از همان سنین کودکی به «امری مسلم و قطعی» تبدیل شده است و دانشگاه‌رفتن گزینه‌ای حتمی پیش‌روی اغلب فارغ‌التحصیلان دبیرستانی است. دانشگاه «جایی برای اعلام حضور در جامعه» است؛ فضایی برای «به‌فعل درآمدن استعدادها»، «تحصیل در رشتهٔ خوب و پیدا کردن شغل خوب» و «افزایش توانمندی‌های اجتماعی» است. برای بخش مهمی از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش دانشگاه همچنان برای فرد دانشگاه‌رفته «پرستیژ اجتماعی» به‌همراه دارد و به فرد «شخصیت و جایگاه اجتماعی» می‌بخشد. از سوی دیگر، دانشگاه برای برخی فضایی برای جوانی کردن است. برای برخی نیز دانشگاه فضایی برای «سرگرمی و گرفتن مدرکی» است که شاید در دنیای پیچیدهٔ امروز دری را به رویشان بگشاید. امیدی که برای بخش مهمی از دانشجویان در مواجهه با بازار کار بسته و اقتصاد نابه‌سامان رنگ می‌بازد.

۴-۱. مسلم تلقی شدن تحصیل در دانشگاه از دوران کودکی

برای بیش‌تر مشارکت‌کنندگان آمدن به دانشگاه امری بدیهی بوده است. مسیری که باید طی شود و در ضرورت عبور از این مسیر چون و چرایی نکرده‌اند، هرچند بخشی از آنان وقتی به مسیر طی شده نگاه می‌کنند به این موضوع نقد دارند. بخشی با تکیه بر تجربهٔ خود، عمر

طی شده در دانشگاه را ثمربخش نمی‌دانند. بخش دیگری هم گرچه در مجموع از حضور در دانشگاه خرسندند ولی با نگاه به بخش مهمی از هم‌کلاسی‌های خود آن‌ها را فاقد انگیزه و هدف لازم برای تحصیل می‌دانند.

آرزو دانشجوی کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی در دانشگاه ایلام است. او که در دبیرستان رشته تجربی خوانده است در زمان کنکور نتوانسته رتبه لازم برای رشته‌های پزشکی یا پیراپزشکی را کسب کند و در رشته مهندسی کشاورزی دانشگاه پیام‌نور پذیرفته می‌شود. از آنجاکه هیچ علاقه‌ای به رشته کشاورزی نداشته است، انصراف می‌دهد، دوباره کنکور می‌دهد و در رشته جامعه‌شناسی دانشگاه ایلام پذیرفته می‌شود؛ رشته‌ای که از آن بسیار راضی است و خود را متعلق به آن می‌داند. او در مورد دلیلش برای آمدن به دانشگاه می‌گوید:

ببینید دانشگاه آمدن من دوتا جنبه داشت. من در یک خانواده‌ای بودم که شما به محض اینکه دیپلمت را می‌گرفتی آماده کنکور می‌شدی و مثلاً همه خانواده منتظر بودند که ببینند نتیجه کنکور چه می‌شود. نظام مقایسه‌ای بود که دختر فلانی کجا قبول شد؟ پسر فلانی کجا؟ حتماً باید دانشگاه قبول می‌شدم و اگر نمی‌شدم برچسب خنگ می‌خوردم. برچسب اینکه تو درس بخوان نیستی. این جور برچسب‌ها را به ما می‌زدند. یک جنبه دیگر هم این بود که خودم خیلی علاقه به این داشتم که تحصیل را ادامه بدهم و استاد دانشگاه بشوم. یعنی یکی از علایق من این بود (مصاحبه با آرزو، ۱۴ اسفند ۱۳۹۹).

مهلا در دانشگاه ایلام ابتدا در دوره کاردانی و بعد کارشناسی رشته دامپزشکی تحصیل کرده است و در زمان مصاحبه دانشجوی فوق‌لیسانس بیوشیمی (یکی از رشته‌های مرتبط با دامپزشکی) دانشگاه تبریز است. او که در تمام دوره راهنمایی و دبیرستان در مدارس خاص نمونه و سپس فرزندان تحصیل می‌کرده است، ناگهان در مقطع پیش‌دانشگاهی از درس خواندن سرخورده می‌شود. فضای رقابتی شدید و کمرنگ‌شدن دوستی بین هم‌کلاسی‌ها او را از درس خواندن زده می‌کند. بنابراین در کنکور رتبه خوبی نمی‌آورد. او هم در مورد دلیلش برای رفتن به دانشگاه می‌گوید: «من به خاطر خانواده و اینکه همه باید برن دانشگاه و همه باید کنکور بدن، کنکور می‌دادم» (مصاحبه با مهلا، ۷ اسفند ۱۳۹۹).

نازنین دانشجوی کارشناسی‌ارشد رشته میکروبیولوژی دانشگاه ایلام است. او تمام دوران راهنمایی و دبیرستان در مدارس فرزندان تحصیل کرده است. در مقطع کنکور دوست بسیار

نزدیک و هم‌کلاسی‌اش خودکشی می‌کند و او نمی‌تواند رتبه‌ای که از خود انتظار داشت را کسب کند. باوجود اینکه اگر انتخاب رشته می‌کرد می‌توانست در رشته‌های پیراپزشکی قبول شود ولی به امید قبولی در رشتهٔ پزشکی، سال اول انتخاب رشته نمی‌کند. سال دوم رتبهٔ کنکور از سال اول بدتر می‌شود ولی از آنجاکه در خود توان ماندن بیش‌تر پشت کنکور را نمی‌دید، در رشتهٔ بهداشت محیط پذیرفته می‌شود، هرچند که علاقه و شناختی از این رشته نداشتند. البته با تلاش، شاگرد اول کلاس می‌شود و با سهمیهٔ معدل در فوق‌لیسانس به رشتهٔ میکروبیولوژی راه می‌یابد. او هم در مورد تمایل به ورود به دانشگاه می‌گوید:

اصل دانشجوی بودن جزو واجبات بود، جزو انتخاب‌هات نبود. به‌رحال ما رشته‌مون را انتخاب می‌کردیم اما اصل اینکه باید درس را ادامه بدیم اصلاً یک چیزی بود که حل شده بود و من نمی‌توانستم به این فکر کنم که هیچ‌وقت وارد دانشگاه نشوم (مصاحبه با نازنین، ۵ اسفند ۱۳۹۹).

۴-۲. دانشگاه برای کسب دانش، پرستیژ، کار

هدف اصلی تأسیس نهاد دانشگاه، آموزش دانش تخصصی است. باوجود همهٔ انتقادات، همچنان در ایران نهاد اصلی آموزش دانشگاه است. آرزو دانشجوی کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه ایلام از تأثیر بالای دانشگاه به‌ویژه رشتهٔ جامعه‌شناسی بر خود می‌گوید. او از تأثیر اساتیدی می‌گوید که فضای غالب را به‌چالش کشیده بودند. تعاملات او در دانشگاه باعث اعتمادبه‌نفس او و توان ابراز خود شده است:

یعنی من یک تولدی دارم که سال ۷۰ بوده که به دنیا آمدم و تولد دیگری دارم که سال ۹۳ بوده که دانشگاه ایلام قبول شدم. واقعاً زندگی من دو قسمت شده. همیشه این سؤال در ذهن من هست، اگر رشته‌ای به اسم جامعه‌شناسی نبود، من چه کار می‌کردم؟ من را آن استادهایی ساختند که خیلی خودشان در محدودیت بودند، که خیلی ایزوله بودند، که خودشان در مقابل ساختار بودند. شاید بگویم خیلی مدیون دوتا استادم هستم تا خودِ دانشگاه. بی‌انصافی است اگر مجموعاً جواب بدهم و بیاورم در یک دسته. حالا رئیس دانشگاه هم خیلی سهم داشت. چون محیط دانشگاه را برای من بازتر کرد. توانستم بیش‌تر حرف بزنم، بیش‌تر بشنوم. ولی آن سهمی که آن دو استاد داشتند حقیقتاً و انصافاً بقیه نداشتند. کارکنان دانشگاه یا فضای دانشگاه نداشتند (مصاحبه با آرزو، ۱۴ اسفند ۱۳۹۹).

در مورد تأثیر دانشگاه بر ذهنیت و نگرش دانشجویان آن‌گونه که دوچ و جرارد (۱۹۹۵) به‌نقل از گیوموند، (۱۹۹۸) می‌گویند، می‌توان بر عوامل هنجاری و اطلاعاتی تأکید کرد. در جامعه‌پذیری دانشگاهی، عوامل اطلاعاتی با محتوای کلاس‌ها و عوامل هنجاری با گروه هم‌سالان یا تطبیق با هنجارهای گروه هم‌سالان ارتباط دارند. در طول تحصیل دانشجویان علوم اجتماعی به‌شکل مداوم با نظریه‌ها، مفاهیم، و گزاره‌هایی سروکار دارند که تأکید اصلی آن‌ها بر اهمیت شرایط اجتماعی و محدودیت‌هایی است که محیط اجتماعی یا سیاسی بر رفتارهای انسان تحمیل می‌کند. این نوع دانش با کاهش گرایش به نسبت‌دادن عامل مشکلات به فرد و سرزنش او همراه است (گیوموند، ۱۹۹۸: ۲۳۷ به‌نقل از کشاورز، ۱۳۹۵: ۹۳). در اینجا از گفته‌های آرزو می‌توان چنین برداشت کرد که تحصیل در علوم اجتماعی به او ابزارهایی برای فهم بهتر موقعیت خود در جامعه، به‌عنوان زن، داده است و هم فضای هنجاری و ارتباطات او به‌ویژه با برخی از اساتیدش به او مهارت‌هایی داده است تا بشنود و شنیده شود. منظور از دانش در اینجا هم دانش به‌معنای محتوای رشته است که برخی از علوم از جمله علوم اجتماعی در اختیار فرد قرار می‌دهد و به او امکان بازاندیشی در آموخته‌هایش را می‌دهد و هم دانش فرهنگی است که فرد به‌واسطه فضای هنجاری دانشگاه، مهارت زیستن در یک فرهنگ را به‌دست می‌آورد.

باوجود عمومی‌شدن تحصیلات دانشگاهی در ایران و علی‌رغم بحث‌هایی که حول توده‌ای شدن دانشگاه و کاهش پرستیژ دانشگاه می‌شود، همچنان مسئله پرستیژی که دانشگاه به دانش‌آموختگانش می‌دهد در میان بخش مهمی از مشارکت‌کنندگان از جذابیت‌های ورود به دانشگاه است. این پرستیژ به‌ویژه از طرف کسانی که کم‌تر به دیگر منابع قدرت دستیابی دارند، مطالبه می‌شود. برای برخی از مشارکت‌کنندگان تحصیل در دانشگاه و مدرک دانشگاهی جایگاه اجتماعی فرد را بالا می‌برد و به او منزلت و پرستیژ می‌بخشد.

معصومه، دانشجوی رشته‌الهیات، از ناامیدی‌اش برای دستیابی به شغلی مناسب سخن می‌گوید. به‌نظر او اساتید نیز به این ناامیدی دامن می‌زنند: «اساتید ما می‌گویند درس بخوانید، تلاش کنید؛ اما به آینده شغلی امیدوار نباشید. برای منزلت خودتان درس بخوانید» (مصاحبه با معصومه، ۱۰ اسفند ۱۳۹۹).

هاجر دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی است. او برخلاف بیش‌تر مشارکت‌کنندگان با علاقه و شناخت به رشته فلسفه اسلامی آمده است و می‌گوید گرچه در علاقه به تحصیل، کار و

شغل چندان دغدغه‌اش نبوده است، اما شخصیت و جایگاهی که دانشگاه به فرد می‌دهد برایش جذاب بوده است:

والله یک دغدغه‌ای که من داشتم، مخصوصاً در مورد فلسفه، سؤالاتی در ذهن من بود و کلاً از دوران نوجوانی خیلی به دین و مسائل دینی علاقه‌مند بودم و می‌خواستم بیش‌تر وارد بشم؛ هم در فلسفه و هم عرفان و احساس می‌کردم دانشگاه می‌تواند این راه را برای من باز بکند و شغل و اینها هم زیاد مدنظر من نبود و بیش‌تر علاقه به دانستن را دنبال کردم. واقعاً علاقه‌مند بودم به دانشگاه و آن شخصیتی که به آدم می‌دهد هم برای خودش و هم جایگاهی که در اجتماع پیدا می‌کند (مصاحبه با هاجر، ۱۴ اسفند ۱۳۹۹).

هاجر از دانشگاه انتظار دارد مکان پژوهش و علم‌ورزی باشد، هرچند از فضای علمی دانشگاه ایلام راضی نیست. میزان مطالعهٔ دانشجویان در رشته خودش را بسیار کم می‌داند: الان من از فضای علمی خیلی راضی نیستم؛ مخصوصاً در دوران کارشناسی. یعنی اصلاً نمی‌بینی که دانشجویی کتاب دستش باشد. دانشجو یا فقط موبایل دستش هست یا در کافه نشسته یا در سلف و یا در پارک و این فقط الان نیست. درحالی‌که باور من این بود و هست که دانشگاه جای علم است، ترم اول ارشد بودم که مقالهٔ من چاپ شد و این برای من مقدس است و دوست دارم که دانشگاه این‌طوری باشد. دانشگاه جای تفریح هم هست. مثلاً دوست هستیم، جوانیم، می‌گیم، می‌خندیم. ولی دانشگاه یعنی کتاب. یعنی رفتن دنبال تحقیق ولی می‌بینم که خیلی کم است. حداقل دانشگاه ما این‌طوری است. دانشگاه‌های دیگر را خبر ندارم (همان).

پروانه، دانشجوی کارشناسی‌ارشد گیاهان زینتی و اهل یکی از شهرستان‌های استان ایلام، نیز تحصیلات دانشگاهی را هم چنان موجب کسب جایگاه اجتماعی می‌داند:

اگر بخوای در محیطی وارد بشی، خود اون محیط به اینکه تو چه مدرکی داری یا چه سطح سواد داری [واکنش متفاوتی نشان می‌دهد]. تحصیلات خیلی روی روابط تأثیر می‌گذاره. حالا برای اینکه بتونی در اجتماع جایگاهی داشته باشی باز هم کمک‌کننده است (مصاحبه با پروانه، ۹ اسفند ۱۳۹۹).

دلیل علاقهٔ او به ادامهٔ تحصیل در دانشگاه قبل از هرچیز پیداکردن موقعیت بهتر در بازار کار است. او می‌گوید درس‌خواندن را دوست دارد و می‌خواهد در دانشگاه به سوادش اضافه شود. علاقه‌مند است تا بعد از فوق‌لیسانس هم به درسش ادامه دهد و از آن مهم‌تر یافتن شغل است:

واقعاً می‌دانید در ایران با مدرک دیپلم اگر بخواهی کاری که دوست داری را انتخاب کنی نمی‌شه. خب مسلماً یک دلیلش این بود که یک کار خوب پیدا بکنم. یکی دیگه هم اینکه من چون از ابتدا بچه درس‌خوانی بودم واقعاً دنبال این بودم که سوادم بره بالا، شاید مدرک هم کنارش باشه. ولی برای خود من سواد مهمه که به صرف مدرکی که می‌گیری در اندازه همون هم سواد داشته باشی. الان هم خیلی‌ها می‌گن که مقطع دکترا نرو، دنبال کار باش. ولی من باز هم چون اون حرص و طمع را دارم که برم مقاطع بالاتر و چیز بیش‌تری یاد بگیرم هدفش رو دارم که تا دکترا ادامه بدم. اولش فکر می‌کردم من یک کارشناسی بگیرم می‌تونم کار داشته باشم و ادامه تحصیل بدم. دنبال کارهای دولتی هم بودم. متها تلاش کردم در زمینه حرفه خودم کارآفرینی بکنم. اگر نمایشگاه گلی بوده زدم، کار تحقیقاتی بوده، همکاری با استادها بوده و این‌جوری یک منبع درآمدی هم داشته باشم. بیش‌تر هدفم کار بود (همان).

۳-۴. دانشگاه به‌عنوان پنجره حضور اجتماعی

برای بیش‌تر مشارکت‌کنندگان دختر ما دانشگاه جایی است که فرصت حضور اجتماعی به آن‌ها می‌دهد. این موضوع در مورد دخترانی پررنگ‌تر می‌شود که از خانواده‌هایی برابریه‌اند که در آن‌ها روابط زن و مرد بیش‌تر برپایه فرادستی مرد و فرودستی زن استوار است. در دهه‌های اخیر با عمومی‌شدن تحصیلات عالی، دخترانی از طبقات فرودست و با سرمایه فرهنگی پایین هم توانستند به دانشگاه راه یابند. هرچند انتظار بخش مهمی از این دختران از دانشگاه جایی است که قرار است مهارت‌های حرفه‌ای به آنان آموزش داده شود و استعدادهای آنان در آن شکوفا شود، اما طی مواجهه‌شدن با دانشگاهی که در آموزش این مهارت‌ها ناتوان است و با درک این واقعیت که بازار کار پس از فارغ‌التحصیلی برای اغلب دختران بسته باقی خواهد ماند، اهمیت ابعاد اجتماعی و فرهنگی دانشگاه پررنگ‌تر می‌شود.

شیرین که به‌تازگی از پایان‌نامه ارشد خود در رشته ریاضی دانشگاه ایلام دفاع کرده است و کاری کم‌درآمد به‌عنوان معلم در یکی از دبستان‌های غیرانتفاعی شهر ایلام دارد، در مورد انتظارش از دانشگاه می‌گوید:

من از همان اول فکر می‌کردم دانشگاه جایی است که قرار است واقعاً [در آن] رشد کنم. دوست داشتم استعدادهایی که در وجود خودم می‌دیدم در دانشگاه به اجرا دربیاید. خیلی به

کارهای فرهنگی و اجرایی علاقه داشتم. یعنی دیدگاهی که من از اول داشتم می‌دانستم که در دانشگاه می‌توانم آن‌ها را عملی کنم. بعد دانشگاه را معمولاً به این دید نگاه می‌کردم، یک جایی برای اعلام حضور در جامعه. در سنین کودکی خیلی اهداف مهم‌تری داشتم. فکر می‌کردم که قرار است یک رشتهٔ خیلی خوب قبول بشوم و مستقیم با همان رشته یک شغل خاصی را پیدا بکنم ولی واقعیتش خیلی تلاش نکردم دیگر. آن رشته‌ای که به قول خودمان برایم گرفت همان رشته را انتخاب کردم و وارد دانشگاه شدم. در همان رشته هم سعی کردم دانشجوی خوبی باشم، در حد معدل متوسطی داشته باشم و در کنارش خیلی به فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه علاقه داشتم و این خیلی برای من لذت‌بخش بود (مصاحبه با شیرین، ۱۳ اسفند ۱۳۹۹).

پروانه محیط دانشگاه ایلام را در مقایسه با دانشگاه پیام نور بسیار بهتر ارزیابی می‌کند. او علاوه بر دانشگاه، محیط خوابگاه را در استقلال خود بسیار مؤثر می‌داند. او در مورد انتظارش از دانشگاه به‌عنوان بستر تعاملات اجتماعی می‌گوید:

واقعاً تأثیرگذار بود. اینکه ما از خانواده مستقل بودیم، چون خوابگاهی بودیم؛ من خیلی استقلال پیدا کردم. حالا بحث کارهای بانکی‌ام بود. نمی‌دانم. اگر می‌خواستم کاری بکنم فقط خودم بودم. یا همین ارتباط اجتماعی هم ما مدام در ارتباط بودیم. هم‌کلاسی بود، گروه داشتیم. کارهایی که با هم انجام می‌دادیم. گلخونه بود، مزرعه بود. یا ارتباط با استادها مون (مصاحبه با پروانه، ۹ اسفند ۱۳۹۹).

صدیقه دانشجوی ارشد رشتهٔ ادبیات عرب است. او شخصیتی راضی و سازگار دارد. دانشگاه برای او محیط بزرگ‌تری بوده است که امکان داشتن ارتباطات اجتماعی را برای او فراهم کرده است. او از دختری کم‌حرف و خجالتی به شخصیتی اجتماعی‌تر تبدیل شده است و این‌ها را از مزایای دانشگاه می‌داند:

خیلی جالب بود برام که ببینم دانشگاه چطوریه، سر دربیارم. بتونم روی پای خودم بایستم، بتونم تحصیلاتم را ادامه بدم و خب کلاً یک جذاییتی برام داشت و خدا رو شکر هم خوب بود. من راستش را بخواهید قبلاً خیلی کم صحبت می‌کردم. ولی خب الان تأثیر دانشگاه واقعاً برام مشهود هست و راحت‌تر می‌تونم ارتباط برقرار کنم، حرف بزنم، صحبت کنم در جمع، در دانشگاه. چون ناخودآگاه این جو کلاس و دانشگاه یک طوری است که باید حرف بزنی، باید صحبت کنی. ارتباط برقرار کنی و خب خیلی تأثیر خوبی روی من داشت. یعنی ناراضی نیستم

از اینکه رفتم دانشگاه و خیلی هم خوشحالم. همان‌طور که فکر می‌کردم، همان‌طور هم شد. خیلی خوب بود برای من (مصاحبه با صدیقه، ۷ اسفند ۱۳۹۹).

صدیقه رشد فردی خود را مدیون حیات تشکلی است. تقریباً همه کسانی که در تشکل‌های دانشجویی دانشگاه ایلام عضویت دارند، از تأثیر مثبت این تشکل‌ها بر زندگی خود می‌گویند. برای بیش‌تر آنان، تشکل‌ها فرصت‌هایی برای ارتباط، رشد و همفکری بوده است. احساس ارزشمندی، امکان حضور در اجتماع، اعتمادبه‌نفس ناشی از فعالیت‌های اجتماعی، احساس مؤثر بودن، جزئی از یک کل بودن و تعلق خاطر، به‌دست آوردن استقلال و انسجام فکری، رسیدن به ثبات فکری و عملی، مصمم‌شدن در فعالیت‌ها، علاقه‌مندشدن به تعاملات اجتماعی مزایایی است که مشارکت‌کنندگان ما در توضیح نقش فعالیت‌های تشکلی خود ذکر می‌کردند.

مریم به‌گفته خودش دختر درس‌خوانی بوده است ولی در کنکور نتوانسته رتبه خوبی بیاورد. بنابراین سال اول که بهداشت محیط در شهری دور قبول شده، انصراف داده و دو سال از کنکور محروم بوده است. دو سال بعد هم در کنکور نتوانسته رشته خوبی که می‌خواسته قبول شود و به رشته گیاه‌پزشکی در دانشگاه ایلام راضی شده اما آشنایی با بسیج و تشکل‌های مذهبی او را وارد وادی‌ای کرده است که بسیار به او اعتماد و امید بخشیده است:

تجربه خیلی خوبی بود. تأثیر مثبتی در من داشت و احساس پیشرفت می‌کنم و دیگران هم دارند این را احساس می‌کنند. می‌گن مریم از وقتی که رفت دانشگاه آپدیت بود، آپدیت‌تر شد، به‌روزرسانی شد. این خوبه. می‌گم آره برید ولی هرکسی بتونه جوزه نشه. می‌گم وقتی برید توی دانشگاه جوهای مختلفی وجود داره. بستگی داره به خودت که کدوم طرف بری (مصاحبه با مریم، ۱ اردیبهشت ۱۴۰۰).

سیما دانشجوی کارشناسی‌ارشد شیمی دانشگاه ایلام و اهل دزفول است. او در کانون‌های مذهبی دانشگاه فعال است و می‌گوید دانشگاه دید او را باز کرده است و توانمندی‌هایش را بیش‌تر کرده است:

می‌تونم بگم تغییرات خیلی زیادی داشتم از خیلی از جنبه‌ها. از نظر شخصیت خودم خیلی مستقل شدم و اینکه دانشگاه در بعضی از زمینه‌ها دید من را باز کرد. مثلاً در همین مسئله ازدواج به من خیلی کمک کرد که بتونم با دید بهتری انتخاب بکنم و موفق باشم در این عرصه. و همین مشارکت‌م در فعالیت‌های فرهنگی روی من خیلی تغییرات ایجاد کرد؛ از من

آدمی ساخت که بتونه مسئولیت قبول کنه. حالا مسئولیت کاری، مسئولیت کار فرهنگی و مسئولیت‌پذیر شدم، دقیق‌تر شدم در واقع. برنامه‌ریزیم در زندگی خیلی بهتر شده (مصاحبه با سیما، ۲۱ اسفند ۱۳۹۹).

او زندگی خوابگاهی و کار تشکلی را در تغییراتش مؤثر می‌داند:

همان که در خوابگاه بودم و یک شهر دیگه بودم و دور بودم در یک بخشش خیلی مؤثر بود. استقلالم در این مسئله بیش‌تر بود و جو دوستانم که نزدیک‌ترین‌ها بودند به من در اون‌جا و بچه‌هایی بودند که در کار فرهنگی با من بودند، بودن در کنار اون‌ها، مطالعاتی که با هم داشتیم، کارگاه‌هایی که با هم شرکت می‌کردیم، برنامه‌هایی که با هم برنامه‌ریزی می‌کردیم با هدف‌هایی که خودمان داشتیم، اون‌ها خیلی تأثیرگذار بود (همان).

برخی، تشکل‌ها را فضایی برای یادگیری و کسب تجربه توصیف می‌کردند. باید توجه داشت که اغلب مشارکت‌کنندگان ما یا در انجمن‌های علمی مربوط به رشته‌های خود فعالیت می‌کردند و یا در تشکل‌های وابسته به نهاد رهبری، بسیج، جامعهٔ اسلامی و کانون‌های سیاسی و مذهبی مرتبط با این تشکل‌ها. بنابراین بیش‌تر روایت‌هایی که در اینجا نقل می‌شود متعلق به دانشجویانی است که در تشکل‌های مذهبی و سیاسی متعلق به طیف‌های محافظه‌کارتر حکومت فعال‌اند. این دانشجویان از پیامدهای مثبت این تشکل‌ها بر زندگی خود می‌گفتند. این که کار در تشکل موجب شده دانشجویان حقوق بیش‌تری برای خود قائل باشد و جایگاه او در دانشگاه را برتری بخشیده است. برخی از آن‌ها بیان می‌کردند که دختر مستقل‌تر و قوی‌تری شده‌اند و در تعاملات اجتماعی، اعتمادبه‌نفس بیش‌تری دارند. باین‌حال، خوانش‌های فردگرایانه و محافظه‌کارانه تشکل‌های مذهبی دانشگاه ایلام در نگاه دانشجویان به مقوله جنسیت و اذعان به تبعیض نقش پررنگی بازی می‌کنند و این دختران به‌واسطهٔ خوانش‌های رایج رسمی از دین که نابرابری‌های کنونی درمورد زنان را یا توجیه می‌کنند یا بی‌اهمیت جلوه می‌دهند، حساسیت جنسیتی کمی داشتند.

۴-۴. تجربهٔ محیط مختلط

دانشگاه برای بخشی از مشارکت‌کنندگان ما فضایی برای تجربهٔ روابط میان‌جنسیتی و شناخت بیش‌تر از همدیگر است. شناختی که می‌تواند آنان را برای زندگی آینده آماده‌تر کند. در اغلب

مصاحبه‌ها یکی از دستاوردهایی که دختران برای حضور خود در دانشگاه برمی‌شمردند، فراهم شدن نوعی زمینه امن و مناسب برای آشنایی با مردان بود؛ امری که با سیاست‌های تفکیک جنسیتی اعمال‌شده در سال‌های گذشته با چالش مواجه بوده است.

یکی از مسائل مورد اشاره دانشجویان، فاصله میان دانشگاه خود با دانشگاه‌های تهران است. برخی از دختران دانشجو نیز از رفتار توهین‌آمیز پسران با دختران صحبت می‌کنند؛ پسرانی که نه با دختران حرف می‌زنند و نه به آن‌ها نگاه می‌کنند. برخی دیگر از سطح فکر پایین و خصوصاً نابالغی پسران صحبت می‌کنند؛ نبود آموزش تعامل درست با جنس دیگر و تفکیک جنسیتی تا قبل از دانشگاه باعث می‌شود دانشجویان دختر و پسر در ترم‌های اول دانشگاه دچار چالش ارتباطی شوند؛ نسبت به جنس دیگر نگاه قضاوت‌گر، بدون مدارا، و گاه همراه با تمسخر داشته باشند. غزال، دانشجوی فیزیک در مقطع لیسانس دانشگاه ایلام و اهل شیراز، می‌گوید دودستگی بین آن‌ها که بومی بودند و آن‌هایی که نبودند، شرایط را بدتر می‌کرد.

برخی دیگر از دانشجویان از محیط مختلط هراس داشته‌اند، اما بعداً توانسته‌اند رابطه خود را تنظیم کنند و در نهایت از آشنایی با مردان در محیط دانشگاه خوشحال‌اند. هرچند از روابط موجود میان دختران و پسران در دانشگاه ناخشنودند و بیش‌تر این روابط را پوچ قلمداد می‌کنند. هاجر دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی با وجود نگرانی‌ای که از محیط مختلط داشته است، توانسته رابطه‌اش را با پسران هم‌دانشگاهی تنظیم کند:

من یک جورایی از دانشگاه می‌ترسیدم [به دلیل] بحث پسر و دختر. مثلاً آیا از پشش برمی‌آم که وارد اجتماع جدیدی بشم و با جنس مخالفم ارتباط برقرار بکنم؟ دیدم من می‌تونم و از پشش برمی‌آم و اون ترسم داره فرو می‌ریزه و دست خودم بود که هم علاوه بر اینکه احترام آقایان را نگه دارم مثل بقیه دخترها با اون‌ها برخورد کنم نه خشک و نه فراری و نه خیلی صمیمی و همراه با احترام. این یک نوع تربیت برای من شد (مصاحبه با هاجر، ۱۴ اسفند ۱۳۹۹).

نقیسه، دانشجوی کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی دانشگاه ایلام، از نگاه قضاوت‌گری می‌گوید که کوچک‌ترین ارتباط دانشجویی را قضاوت کرده و فشار روانی وارد می‌کرد. فریبا، دانشجوی دکتری شیمی دانشگاه ایلام، روایت می‌کند که دختران مجبور به اتخاذ چهره‌ای جدی هستند تا امکان قضاوت‌های اشتباه را از آنان دور سازد:

قضاوت معطوف به زنان و مردان دربارهٔ یک رفتار یکسان، بسیار متفاوت است. ناچاری بسیار محافظه‌کار باشی تا کم‌ترین حرفی پیش نیاید. ناچار بودم خشن باشم تا حدی و بسیار جدی. متأسفانه در ایران زنان باید تا حد زیادی خودشان را سانسور کنند. پرائرزی بودنم باید با احتیاط‌های بسیار زیاد همراه باشد تا قضاوت نشوم. به هر چیزی چنگ می‌زنند تا داستان بسازند برای (مصاحبه با فریبا، ۱۰ اسفند ۱۳۹۹).

نتایج پژوهش نشان می‌دهد در میدان دانشگاهی با فرهنگ محافظه‌کارانه به روایت دانشجویان، زنان بیش از هر چیز با جذابیت‌های جنسی تعریف و ارزیابی می‌شوند، چنانچه طاهره، دانشجوی مهندسی برق، می‌گوید:

می‌گفتند فلانی دختر خوبیست، چرا؟ دیدش چقدر خوشگل بود؟ دیدی چه اندامی داشت؟ دیدی تپش چه جوری بود؟ دیدی قیافه‌اش اصلاً محشر بود؟ چه دختری بود، خدایا! بعد انگار پسرها وقتی یک دختری را تأیید می‌کردند همهٔ گروه‌ها می‌گفتند فلانی را همه تأیید کردند. یکی نمی‌گفت فلانی دختر خوبیست چون به فرض خیلی باسواد بوده، بعضی وقت‌ها دوستم شاگرد اول بود اصلاً پسرها می‌خندیدند بهش. [می‌گفتند] این اصلاً به خودش نمی‌رسه. می‌شینم درس می‌خونه. دختر باید دخترانه رفتار بکنه، به خودش برسه (مصاحبه با طاهره، ۱۳ اسفند ۱۳۹۹).

گرچه دانشگاه محیطی است که حداقل، زمینهٔ ارتباطات اجتماعی را برای اعضایش فراهم می‌کند، اما در غیاب آموزش‌های مبتنی بر احترام میان دو جنس، هنجارهای مردسالار جامعهٔ بزرگ‌تر که مبتنی بر استانداردهای دوگانه در قضاوت رفتارهای شایستهٔ زنان و مردان است، در دانشگاه نیز بازتولید می‌شود. این رفتارها به‌ویژه در دانشگاه‌های خارج از مرکز و در مناطق کمتر توسعه‌یافته رایج‌تر است. در چنین شرایطی روابط دوستانه درون‌جنسیتی باقی می‌ماند و «نسبت به دخترانی که وارد روابط بین‌جنسیتی می‌شوند دیدی منفی وجود دارد و از واژهٔ هنجارشکن برای این دسته از دانشجویان استفاده می‌شود؛ زیرا بعضی از رفتارها را پسرانه ارزیابی می‌کنند نظیر سیگارکشیدن، عدم توجه به پوشش مناسب، و تجمع کردن در فضاهای خاص» (فکوهی، ۱۳۹۹، ۴۱۸). نکتهٔ مهم این‌که دانشگاه برنامه‌ای هدفمند و اندیشیده‌شده برای آموزش مهارت‌های بین‌جنسیتی به دانشجویان ندارد.

زهره، دانشجوی کارشناسی‌ارشد اقتصاد توسعه، روایت می‌کند که در برخورداری از امکانات تفریحی و فراغتی نه تنها تبعیض جنسیتی آشکاری وجود دارد، بلکه دختران تحت قضاوت‌های هنجاری و در معرض نام‌گذاری‌های طردکننده قرار دارند: «دانشگاه ایلام یک پارک دارد؛ همون روبه‌روی سرویس‌ها. عموماً پسرها می‌رفتن. ما هم می‌رفتیم، بهمون می‌گفتن نیاید! اینجا جای پسرهاست، میان سیگار می‌کشن. یا مثلاً یک گروهی از دخترها می‌رفتن، پسرها دست می‌انداختن. می‌گفتن اینها پارکی‌ان، دخترهای خوب نیستن» (مصاحبه با زهره، اسفند ۱۳۹۹).

به‌نظر دانشجویان مشارکت‌کننده در این پژوهش، دانشگاه از تفکیک جنسیتی میان دانشجویان حمایت می‌کند و بدبینی و فشار ناشی از دیگری‌سازی را تشدید می‌کند. حراست دانشگاه با روابط دوستانه میان دختر و پسر مخالف است و هنگام مشاهده گفت‌وگوی دختر و پسر مداخله می‌کند. به‌روایت دانشجویان این دانشگاه با هنجارهای محافظه‌کارانه، در میان مسئولان دانشگاه هیچ تصویری به‌جز روابط دوست‌دختر/ دوست‌پسری میان دانشجویان دختر و پسر وجود ندارد. به‌بیان دیگر، اگرچه محیط مختلط است اما اختلاط زن و مرد به‌شدت کنترل می‌شود و مراودات زنان و مردان در دانشگاه پذیرفته‌شده نیست.

آرزو، دانشجوی کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه ایلام، این شکل کنترل حراست را ناشی از بی‌اعتمادی به دانشجویان و اهمیت کنترل‌های بیرونی می‌داند:

بین چقدر نقش کنترل درونی در این میدان علم، بی‌رنگ هست که اگر دوتا دختر و پسر کنار هم نشسته‌اند زمان طولانی‌تر از پنج دقیقه شد، سریع برید و اون‌ها رو از هم جدا کنید. این یعنی به کنترل درونی من دانشجو اعتماد ندارند. کنترل فقط بیرونی باشه، با چوب و چماق باشه، این یعنی ممکنه اتفاقی بیفته. در صورتی که شما خودتون هم می‌دونید اگر حرفی هست و هنجارشکنی هست، دو دقیقه هم می‌شود زد. ربطی به تایمش نداره (مصاحبه با آرزو، ۱۴ اسفند ۱۳۹۹).

می‌توان به این نکته توجه کرد که یکی از پیامدهای ناخواسته تفکیک جنسیتی، تبعیض است. فضاهای بهتر و امکانات بیشتر به پسران اختصاص می‌یابد و این امر بر احساس طردشدگی و حاشیه‌ای بودن دختران دانشجو می‌افزاید.

۴-۵. رویای آشنایی با همسر آینده

حضور در محیط مختلط و آشنایی با جنس دیگر، فرصت عشق و ازدواج را هم فراهم می‌کند. در میان اغلب دختران، ازدواج همچنان نوعی پاداش اجتماعی تلقی می‌شود. حتی آنان که تحصیلات عالی دارند، ازدواج را نماد موفقیت و احترام می‌دانند. برخی از دانشجویان دختر اذعان می‌کردند که خانواده‌ها از دانشگاه انتظار دارند محلی برای آشنایی با مردان تحصیل‌کرده و ازدواج مطلوب باشد. آرزو، دانشجوی کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، در مورد اهمیت ازدواج برای دختران در شهر ایلام می‌گوید:

ازدواج برای دختران در شهری مثل ایلام تنها راه ادامهٔ زندگیست و از کودکی برای زنان به‌صورت آرمان و دستاورد درآمده است. به همین سبب عدهٔ فراوانی از دختران، با انگیزهٔ شوهر پیدا کردن به دانشگاه می‌آیند. مسیر بدیلی غیر از ازدواج یا کنار ازدواج برای اغلب دختران به تصویر کشیده نمی‌شود (مصاحبه با آرزو، ۱۴ اسفند ۱۳۹۹).

البته فرصت تحصیل در دانشگاه با شناخت بیشتر و آگاهانه‌تر دربارهٔ ازدواج و زندگی مشترک همراه می‌شود. شیرین که به تازگی از پایان‌نامهٔ ارشد خود در رشتهٔ ریاضی دفاع کرده است، در این مورد می‌گوید: «دانشگاه به من کمک کرد برای مسئلهٔ ازدواج واقع‌بین‌تر شوم... اگر با همان خامی ۱۸ سالگی، وارد دانشگاه نمی‌شدم، شاید تفکر دیگری داشتم. الان جایگاه خودم را بهتر می‌شناسم. البته الان درگیر تصمیم ازدواج هستم...» (مصاحبه با شیرین، ۱۳ اسفند ۱۳۹۹).

افسانه، دانشجوی کارشناسی‌ارشد رشته ریاضی، نیز تجربهٔ مشابهی دارد: من در یک خانوادهٔ آزاد بزرگ شدم... مخصوصاً از زمانی که وارد دانشگاه شدم، نگاهم به ازدواج تغییر کرد. داداشم همیشه می‌گوید با کسی ازدواج کن که قبول کند تو یک دختر آزادی. واقعاً نمی‌خواهم وارد زندگی‌ای بشوم که دغدغه‌ام را بیشتر کند. من دنبال آرامشم... (مصاحبه با افسانه، اسفند ۱۳۹۹).

باین‌حال، همهٔ دختران امکان بازاندیشی در معیارهای خود را ندارند. برای برخی همچنان نظر خانواده مهم‌ترین عامل در انتخاب همسر است. سیما، دانشجوی کارشناسی‌ارشد شیمی، در این باره می‌گوید: «به ازدواج سنتی معتقدم و خودم به‌شکل خواستگاری ازدواج کردم. مهم‌ترین معیارم ایمان و اخلاق طرف مقابل بود. در دانشگاه خواستگاران از میان اعضای

تشکل‌های مذهبی داشتم ولی چون خانواده‌ام تمایلی نداشتند، همه را رد کردم، با اینکه بعضی‌ها مناسب بودند» (مصاحبه با سیمیا، ۲۱ اسفند ۱۳۹۹).

زهرا، دانشجوی کارشناسی‌ارشد اقتصاد توسعه، نگاهی کاملاً مردسالارانه به ازدواج دارد. با اینکه یکی از معیارهایش برای انتخاب همسر را دوست‌داشتن از سوی طرف مقابل ذکر می‌کند، ولی ازدواج برای او هدف اصلی است. از طرفی به‌عنوان یک زن، حق انتخابی ندارد و پسران تصمیم می‌گیرند رابطه را ادامه دهند یا قطع کنند. او حاضر شده با فردی نامزد کند که روحیات متفاوتی با او دارد، چون نمی‌خواهد از قطار ازدواج عقب بماند (مصاحبه با زهرا، اسفند ۱۳۹۹).

مریم، دانشجوی لیسانس گیاه‌پزشکی و فعال در یکی از تشکل‌های مذهبی و سیاسی دانشگاه، که به‌نظر می‌رسد در برخی حوزه‌ها برای خود عاملیت قائل است، مهم‌ترین معیارش برای ازدواج را تفاهم عقیدتی و مذهبی می‌داند. او که مایل است در آزمون کارشناسی‌ارشد شرکت کند و کتاب‌های مورد نیاز برای امتحانش را هم خریده است، در مورد ضرورت ازدواج می‌گوید: «اگر خواستگاری پیش آید که می‌دانم شرایطش خوب است و می‌صرفد با او زندگی کرد، خب چی بهتر از این؟ چون هر دختری بهترین نقشش در خانه است... اگر شوهرم اجازه ندهد درس بخوانم، می‌نشینم خانه. اگر اجازه داد، ادامه می‌دهم» (مصاحبه با مریم، ۱ اردیبهشت ۱۴۰۰). خلاصه یافته‌های پژوهش و کدهای اولیه و مضامین پژوهش در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول ۲. کدهای اولیه و مضامین پژوهش

مضمون فراگیر	مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدهای اولیه
دانشگاه و دوگانه توانمندسازی - محدودسازی برای دختران	بدیهی بودن تحصیل دانشگاهی	فشار خانواده برای ورود به دانشگاه ساختار آموزش دبیرستان‌های خاص	برچسب خنگ‌بودن در صورت عدم قبولی، مسلم‌بودن دانشگاه بعد از دبیرستان، رقابت بین خانواده‌ها
	دانشگاه به‌مثابه پرستیژ اجتماعی	مدرک به‌عنوان سرمایه فرهنگی امید به بازار کار بهتر	اعتبار مدرک دانشگاهی، ارتقای جایگاه با مدرک دانشگاهی، مطلوبیت کار دولتی، علاقه به

مضمون فراگیر	مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدهای اولیه
			یادگیری، ناامیدی از دستیابی به شغل خوب
	دانشگاه به‌عنوان پنجرهٔ مشارکت اجتماعی	افزایش استقلال و مهارت‌های زندگی تمرین حیات انجمنی	رشد مهارت‌های فردی، استقلال به‌دلیل زندگی خوابگاهی، افزایش اعتمادبه‌نفس، افزایش مهارت ارتباط اجتماعی، برقراری ارتباط دوستانهٔ عمیق، تمرین مسئولیت
	تجربهٔ محیط مختلط	آموختن مواجهه با جنس مخالف بازتولید هنجارهای جنسیتی و کنترل نهادی	نخستین مواجهه با جنس مخالف، هراس و فشارهای اجتماعی در روابط، نگرانی از قضاوت دوگانه، تداوم تفکیک جنسیتی، تداوم کلیشه‌های جنسیتی، نقش حراست
	رویای آشنایی با همسر آینده	امکان بازاندیشی در امر ازدواج	فرصت خواستگاری و ازدواج

۶. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دانشگاه برای دختران مشارکت‌کننده در پژوهش، چیزی فراتر از نهادی آموزشی است و در بستر اجتماعی و فرهنگی ایران معاصر، کارکردهای متکثر و متناقضی پیدا می‌کند. تحصیل دختران در دانشگاه در میان اغلب خانواده‌های مشارکت‌کنندگان پژوهش به یک «هنجار عمومی» بدل شده است، تا جایی که ورود به دانشگاه نه صرفاً یک انتخاب بلکه ضرورتی اجتماعی و خانوادگی قلمداد می‌شود. این امر ریشه در ساختار رقابتی آموزش متوسطه، نظام کنکور، و همچنین ارزش‌گذاری فرهنگی بر مدرک دانشگاهی دارد. بنابراین، بسیاری از دخترانی که در این پژوهش با آنها مصاحبه شده است، حتی باوجود آگاهی از بحران اشتغال و رکود بازار کار، مسیر تحصیلات عالی را گریزناپذیر می‌دانند.

دانشگاه برای دختران مشارکت‌کننده هم‌چنان منبعی مهم برای کسب منزلت اجتماعی است. مدرک دانشگاهی به‌مثابه سرمایه فرهنگی و نمادی از پیشرفت فردی، جایگاه اجتماعی آنان را ارتقا می‌دهد؛ به‌ویژه در میان طبقات و خانواده‌هایی که دسترسی کمتری به منابع قدرت و ثروت دارند. این منزلت‌یابی اگرچه در بازار کار چندان به‌ثمر نمی‌نشیند، اما به شکل نمادین و فرهنگی در روابط اجتماعی و خانوادگی بازتاب می‌یابد.

برای اغلب مشارکت‌کنندگان ما دانشگاه بستری فراهم کرده است که به ارتباطات، دوستی‌ها، آشنایی‌ها، و فضاهای فرهنگی و فکری شکل بخشیده و در تغییرات فکری آن‌ها مؤثر بوده است. فضای هنجاری دانشگاه نیز در موارد زیادی در این تغییرات نقش داشته است. برخی از دانشجویان پیش از دانشگاه، روابط اجتماعی بسیار محدودی داشته‌اند و از مهارت‌هایی مانند صحبت‌کردن در جمع بی‌بهره بوده‌اند. فضای دانشگاه برای این دسته از دانشجویان فرصت‌هایی برای تعامل و ارتباط با هم‌کلاسی‌ها، استادان، و کارمندان دانشگاه فراهم کرده است. فرصت آموختن مهارت‌های زندگی برای کسانی که در فعالیت‌های انجمنی و تشکلی دانشگاه مشارکت داشته‌اند فراهم‌تر است. به‌نظر می‌رسد دانشگاه فضایی را فراهم کرده است که بخشی از جامعه‌پذیری فرد در آن تداوم یابد. از آن‌جاکه دانشگاه به‌ویژه برای دختران در شهرهای کوچک دور از مرکز، مهم‌ترین بستر مشارکت در زندگی عمومی است به آن‌ها فرصت‌هایی داده است که شاید برای پسران و دختران در شهرهای بزرگ‌تر و در طبقات و قشرهایی با سرمایه فرهنگی و اجتماعی بالاتر، پیش‌تر نیز فراهم بوده است.

پژوهش‌نگرش‌ها و رفتارهای دانشجویان نشان می‌دهد که اگرچه دختران معدل بالاتری دارند و در تحصیل موفق‌تر هستند، چشم‌انداز آنان به بازار کار محدودتر است و تصور می‌کنند پس از فارغ‌التحصیلی به زمان بیشتری نیاز دارند تا شغل مناسب پیدا کنند. از سوی دیگر، دختران بیشتر از پسران به دانشجوی بودن خود افتخار می‌کنند (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۰)؛ به‌نظر می‌رسد این احساس افتخار نه‌تنها بازتاب موفقیت تحصیلی آنان است، بلکه نشان می‌دهد دانشگاه به‌عنوان نهادی جنسیت‌مند، فرصت‌ها و محدودیت‌های متفاوتی برای دختران و پسران ایجاد می‌کند و به همین دلیل، دختران، دانشگاه را نه‌فقط به‌عنوان مسیر شغلی، بلکه به‌عنوان فضایی برای رشد فردی، کسب سرمایه فرهنگی، و مشارکت اجتماعی تجربه می‌کنند.

تجربهٔ زیسته دختران دانشجوی دانشگاه ایلام از تعامل با پسران دانشجو از نکات مهمی بود که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت زیرا دانشگاه اولین و امن‌ترین فضای تعامل میان زنان و مردان جوان را فراهم می‌کند و امکان راززدایی از جنس دیگر و فرصت دوستی سالم میان دو جنس را پیش می‌نهد. اما سیاست فرهنگی رسمی در دانشگاه بر تفکیک جنسیتی تأکید دارد؛ از این‌رو، نقش دانشگاه برای تعامل جنسیتی امن به‌خصوص در دانشگاه‌های محافظه‌کار مخدوش می‌شود و دانشجویان برای هم‌رنگ‌شدن با هنجارهای رسمی تحت فشار بیش‌تری قرار می‌گیرند که برای آن‌ها نارضایتی و سرخوردگی فراهم می‌کند. آن‌چه در فعالیت‌های تشکلی (تشکل‌های سیاسی و محافظه‌کار دانشگاه)، جلسات، کارگاه‌ها و نیز حلقه‌های مطالعاتی ترویج می‌شود، بیش‌تر بر جداسازی دنیاهای زنان و مردان و بازتولید کلیشه‌های جنسیتی معطوف است.

فعالیت‌های تشکلی و فرهنگی دانشگاه برای دختران مشارکت‌کننده در پژوهش فرصت‌های متناقضی را فراهم می‌آورد. از یک‌سو، مشارکت در تشکل‌ها به رشد فردی، کسب مهارت‌های اجتماعی، و احساس عاملیت منجر می‌شود؛ از سوی دیگر، بسیاری از این تشکل‌ها به‌ویژه تشکل‌های مذهبی و سیاسی، با قرائت‌های محافظه‌کارانه از جنسیت و نقش زنان، حساسیت جنسیتی را کمرنگ می‌کنند و در عمل به بازتولید نظم جنسیتی نابرابر یاری می‌رسانند. بدین ترتیب، دختران مشارکت‌کننده، هم‌زمان در معرض تجربهٔ توانمندسازی و محدودسازی قرار می‌گیرند. می‌توان گفت تحصیل در دانشگاه‌هایی از سنخ دانشگاه ایلام که در آن هنجارهای محافظه‌کارانه مسلط هستند، به‌طور متناقضی زنان مشارکت‌کننده را جامعه‌پذیر می‌کند؛ از سویی استقلال، برنامه‌ریزی برای آینده، افزایش تعاملات اجتماعی و در پی آن افزایش اعتمادبه‌نفس را به دختران می‌دهد، اما در کنار آن، فرودستی زن و فرادستی مرد در بسیاری از زمینه‌ها طبیعی انگاشته می‌شود.

یافته‌های پژوهش ما در برخی موارد هم‌سو با پژوهش‌های دیوید (۲۰۱۴) و آرنوت (۲۰۰۲) است؛ همان‌طور که پژوهش‌های آرنوت نشان می‌دهد دانشگاه در ایران هم میدان بازتولید و هم میدان به‌چالش‌کشیدن نابرابری‌های جنسیتی، مقاومت در مقابل نابرابری، و امکان بازتعریف هویت جنسیتی است. هم‌راستا با پژوهش دیوید، دانشگاه در ایران نیز برای دختران مشارکت‌کننده در پژوهش به‌عنوان فضای کسب سرمایه فرهنگی و تجربهٔ مشارکت اجتماعی

عمل می‌کند. دختران مشارکت‌کننده در دانشگاه استقلال فردی می‌یابند و ورود آن‌ها به فضای عمومی تسهیل می‌شود. این زنان به‌رغم محدودیت اقتصادی، دانشگاه را برای تجربه اجتماعی و فرهنگی، ارزشمند می‌دانند.

یافته‌های ما نشان می‌دهد دانشگاه عاملیت‌چندانی برای تربیت شهروندان دموکراتیک و اهل مدارا در دانشگاه ایلام ندارد. در دانشگاه‌هایی با سنت‌های روشن‌فکری و حیات انجمنی بالنده، فضای هنجاری دانشگاه بستر و ظرفی را فراهم می‌سازد که دانشجویان با ارتباطات و کنش‌های میان‌فردی و انجمنی خود می‌توانند خود را برای پذیرش دیگری، و زندگی برابرانه با هم آماده سازند (کشاورز، ۱۴۰۲)، اما فضای هنجاری دانشگاه ایلام تا فراهم کردن چنین بستری راه درازی در پیش دارد.

منابع

اعتمادی‌فر. مهدی (۱۳۹۶). *دانشگاه از منظر دانشجویان*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

بلیکی. نورمن دبلیو. اچ. (۱۳۸۴). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.

پیروردیو. پیر (۱۴۰۰). *سلطه مذکر، مقدمه و ترجمه ناصری‌راد*. محسن. تهران: آگه.
خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) (۲۷ تیر ۱۴۰۴). اعلام آمار داوطلبان در ۵ گروه آزمایشی کنکور/سهم حدود ۶۹ درصدی زنان در ۴ گروه آزمایشی. تاریخ دسترسی: ۴ آذر ۱۴۰۴، در آدرس:

<https://www.isna.ir/news/1404042716717>

سراج‌زاده. سیدحسین، جواهری. فاطمه، فیضی. ایرج (۱۳۹۵). *نگرش‌ها و رفتار دانشجویان (۱۳۹۴)*. تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی.

عابدی جعفری. حسن، سلیمی. محمد سعید، فقیهی. ابوالحسن، شیخ‌زاده. محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین، روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، *اندیشه مدیریت راهبردی*. ۵ (۲). ۱۵۱-۱۹۸.

فراستخواه. مقصود (۱۳۹۴). تجربه‌های زیسته و ادراک شده دانشجویان (مطالعه موردی یک دانشگاه ایرانی). *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*. ۷ (۲). ۲۵-۷۰.

- فکوهی. ناصر (۱۳۹۹). زن‌ها، شیرها، روباه‌ها ... : تأملاتی دربارهٔ زنان، زنانگی و مسائل اجتماعی جنسیت. تهران: نشر ثالث.
- کشاورز. خدیجه (۱۴۰۲). مناسبات جنسیتی در ذهنیت دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران. *مطالعات دانشگاه*. ۱ (۳). ۱۳۷-۱۶۳.
- کشاورز، خدیجه (۱۳۹۵). نگرش دانشجویان در باب خانواده، زنان و جنسیت. *مسائل اجتماعی ایران*. ۱۰ (۴). ۸۴-۱۱۵.
- کوثری. مسعود، خوشنام. مژگان (۱۳۹۶). تحلیل پدیدارشناسی معنای ذهنی دانشجویان از دانشگاه. پژوهش در نظام‌های آموزشی. ۱۱ (۳۸). پاییز ۱۳۹۶، ۱۹۳-۱۷۱.
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۰)، چکیدهٔ نتایج طرح آمارگیری نیروی کار ایران. قابل دسترسی در www.sci.org.ir

- Arnot, M. (2002). *Reproducing Gender: Critical Essays on Educational Theory and Feminist Politics*. London: Routledge.
- Bereni, L. (2011). *Genre état des lieux, entretien avec Laure Bereni, par Matieu Tranchman*. Retrieved from <https://laviedesidees.fr/Genre-etat-des-lieux>
- David, M. E. (2014). *Feminism, gender and universities: Politics, passion and pedagogies*. London: Routledge.
- Guimond, S. (1998). Processus de Socialisation dans l'enseignement supérieur : le pouvoir de la connaissance, in J. L Beauvois, R. V Jole et J.M Monteil (dir), *Vingt ans de psychologie social expérimentale francophone*, pp. 231-271, Grenoble : Presses universitaire de Grenoble.